خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه اول مرداد ۱۳۹۶ . ۲۸ شوال ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۸۹

رضا صادقی با بزرگداشت یاد شهدا و جانبازان روی صحنه رفت

رضا صادقی در کنسرت تابستانی خود در حالی با بزرگداشت یاد شهدا و جانبازان روی صحنه رفت که کاوه یغمایی مهمان این هنرمند شد. به گزارش میزان، نخستین کنسرت رضا صادقی پس از انتشار آلبوم جدید «یعنی درد» با پخش تیزری از این آلبوم در حالی برگزار شد که دو گروه زهی به ارکستر این خواننده موسیقی پاپ پیوسته بودند. رضا صادقی گفت: نهایت سعادت یک هنرمند این است عزیزانی را در کنار خود داشته باشد که باعث افتخارش هستند.

پیشنهاد الگوی «هَیجامَد» به فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان از واژه‌گزینی تا فرهنگ سازی

نعمت ا... پناهی

دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی سال ها پیش درباره ایرادهایی که به واژه‌های مصوب فرهنگستان گرفته می‌شود، گفته بود «قلم دست دشمن است. شنیده‌اید که کسی می گفت، چرا این‌قدر شکل‌تان را بد می کشند، در حالی که خوب‌رو هستید؟ گفته بود، قلم دست دشمن است. الفاظی که به فرهنگستان نسبت می‌دهند، فرهنگستان نساخته است؛ خودشان می‌سازند و به فرهنگستان نسبت می‌دهند و آن‌ها را نقد می کنند. با ۲۰ سال تجربه نزدیک ۴۰ هزار واژه‌وارد زبان فارسی کرده‌ایم.»؛ اما برخی معتقدند پیشنهاد جایگزینی «خمیراک» به جای پاستا و «برگ» به جای چیپس، لازانیا برای «خمیر برگ»، «رستوران خویش‌یار» در برابر «رستوران سلف‌سرویس»، «دوگوشی» به جای «هدفون» و ... در حکم تولد نوزادان مرده‌ای است که فرهنگستان تحویل جامعهٔ زبانی ایرانیان می دهد و نباید انتظار رواج آن‌ها را داشته باشد. با این دغدغه سراغ دکتر رضا پیش‌قدم، استاد پیوسته گروه زبان انگلیسی و استاد وابسته گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد رفتم تا از الگوی پیشنهادی خود به نام «هَیجامَد» و مسائل چالش برانگیز واژه گزینی سخن بگوییم.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی طبق قانون اساسی ایران معتبرترین نهاد در پاسداری از حریم زبان فارسی و سیاست گذاری در این زمینه است. نگاه شما به کارکرد و جایگاه این نهاد چیست؟

فرهنگستان طی تاریخ فراز و نشیب هایی داشته است. بنده احساس می کنم ذهنیت بیشتر افراد درباره فرهنگستان مثبت نیست. حتی برخی افراد گاه به سخره و طنز، فیلم ها و نمایش هایی تهیه می کنند تا واژگان مصوب فرهگستان را به سخره بکشند. به عنوان نمونه، در شبکه خراسان رضوی آقایی صحبت می کرد که با لهجه مشهدی سعی در به سخره کشیدن این لهجه داشت. اولین پیام این کار برای فرزندان ما این است که هرگز با لهجهٔ مشهدی صحبت نکنند. این کار مرگ لهجه ها را در پی دارد. درباره فرهنگستان نیز این کار انجام شده . کارکرد این نهاد خیلی به سخره گرفته شده است. در واقع کل کارکرد فرهنگستان از دید عموم در واژه سازی خلاصه شده آن هم در دوگانه سازی و معادل یابی.

این معادل یابی ها و دوگانه سازی ها که گاه ابزار مضحکه عام و خاص نیز قرار می گیرد، چه هدفی را دنبال می کند؟

نظریه ای است با عنوان «تضاد شناختی در ذهن». روان‌شناسان معتقدند مغز در آنِ واحد نمی‌تواند دو نظر متضاد را قبول کند. پس وقتی فرهنگستان در مقابل واژه ای مثل کامپیوتر که جا افتاده است واژهٔ رایانه را برمی گزیند و اصرار می کند که «رایانه» بر «کامپیوتر» سوار شود، بنده وقتی به این دو واژه می رسم نمی دانم کدام یک را به کار ببرم. در این مواقع بیشتر به ترکیب مخاطبانم نگاه می کنم. به نظر می رسد فرهنگستان با این معادل یابی ها نوعی تضاد شناختی ایجاد کرده است. در مجموع، بنده به عنوان استاد دانشگاه نمی دانم «کتابخانه» را جدا بنویسم یا پیوسته! علامت تشدید روی کلمات بگذارم یا نه؟ «سپاس گزارم» را جدا بنویسم یا پیوسته؟! این کم و کاستی ها باعث تشتت زبانی و فکری می شود.

یعنی باید شیوه نامه مشخصی برای خط فارسی تدوین شود؟

فقط مسئلهٔ خط نیست. واژه بسیار مهم است. ساختار زبان نیز خیلی مهم است. ساختار مستحکم هر زبانی نشانهٔ عقلانیت آن زبان است. فرهنگستان زبان طی فعالیت چند دهه خود عمدتا به واژه گزینی و ساختار زبان تمرکز کرده و گاهی هم علاوه بر واژه گزینی به شیوه نامه نگارش پرداخته است. به نظر می رسد مسئله امروزی که همه درگیر آن هستند «مقاله‌نویسی» است. شیوه‌های مقاله نویسی و ارجاع دهی در دنیا با عنوان هایی مانند APA و MLA رایج است و معیار کاملا مشخصی دارد؛ اما در کشور ما به قدری شیوه های ارجاع دهی مقالات مشوش است که نمی توان چارچوب خاصی را در نظر گرفت.

به نظر شما این ها هم جزو وظایف فرهنگستان زبان است؟

صد در صد! بنده وقتی مقاله فارسی می نویسم نمی دانم طبق کدام شیوه نامه ارجاع بدهم چون مجلات جزئیات بسیار متفاوتی دارند. این بزرگ ترین ایراد است و در دسرهای بسیار فراوانی هم دارد. فرهنگستان در این حوزه ها هم باید نقش جدی داشته باشد. مهارت نگارش به عنوان یکی از چهار مهارت «خواندن، نوشتن، شنیدن، گفتن» و مهارت پنجم که «فرهنگ» است، امروزه اهمیت بسیاری یافته است. صلاح نیست که فرهنگستان فعالیت های خود را در دایره محدود واژه سازی و معادل یابی منحصر کند و از این زاویه هم به سخره گرفته شود.

راهکار یا الگوی پژوهشی شما با عنوان «هَیجامد» چه موانعی را از سر راه برمی دارد؟

«هَیجامَد» که از واژه «هیجان» و «بسامد» تشکیل شده است، به تاثیر هیجانات ناشی از استفاده از حواس در یادگیری مفاهیم گوناگون اشاره می کند. یعنی محرک های حسی چند گانه از این قابلیت برخوردارند که می توانند حواس مختلفی مانند شنوایی، بینایی، چشایی و لمسی-حرکتی را در روند یادگیری درگیر کنند. مثلا وقتی فرهنگستان واژه «واسپاری» را در برابر «لیزینگ» تصویب می کند، بر اثر کاربرد مکرر این واژه و افزایش بسامد، درجات مختلفی از هیجان برای کاربران شکل می گیرد. یا برای جایگزینی «رایانه» به جای «کامپیوتر» باید راهبردهایی به کار گرفته شود که هَیجامَد «کامپیوتر» هر چه بیشتر برای فارسی زبانان کم شود و در مقابل هَیجامَد «رایانه» به شیوه های مختلف افزایش یابد.

منظورتان این است که پس از تصویب واژگان، باید سنجش رفتارهای زبانی مردم و بازخورد فرهنگی آن واژه در جامعه پیگیری شود. فکر نمی کنید گویا شکافی بین اتاق فکر فرهنگستان و جامعه زبانی ایجاد شده است؟

بله! در واقع گفتمان فرهنگستان با گفتمان مردم یکی نشده است. باید بدانیم امروز سطح اطلاعات مردم خیلی بالا رفته و رسانه های جمعی از جمله تلویزیون باعث شده اند فاصله عوام و نخبگان کمتر شود؛ این در حالی است که شکاف بین فرهنگستان و مردم همچنان وجود دارد. به تازگی فرهنگستان به سراغ کتاب های درسی مانند زیست شناسی رفته چرا که متوجه شده در افکار و افواه مردم نمی تواند نفوذ کند؛ بنابراین با رفتن به سمت کتاب های درسی قصد دارد دوگانه های زبانی را از بین ببرد. وقتی از همان ابتدا به جای «سلول» واژه «یاخته» آموزش داده شود دیگر دوگانه ای تولید نخواهد شد.

از طرفی مردم در خوش آهنگ و بد آهنگ بودن واژه، داشتن وجههٔ اجتماعی و ... دست به انتخاب می‌زنند. مثلا بین دو واژهٔ «دِسر» و معادل فارسی آن «پی غذا» یکی می گفت این واژه مرا یاد پی ساختمان می اندازد و تداعی منفی ایجاد می کند! این نمونه ها نشان می دهد که توجه به سلیقه کاربران بسیار مهم است.

یعنی در این زمینه ها بین اعضای فرهنگستان تبادل نظر نمی شود؟

به نظر من قبل از هر کاری باید کاربرد واژهٔ تصویب شده به صورت آزمایشی (پایلوت) پایش شود. مثل کتابی که قرار است دورهٔ تدریس آزمایشی خود را طی کند. حتی بین عموم مردم لازم است به دقت پژوهش شود. بنده در تحقیقم پی بردم که فرهنگستان توانسته است دوگانه های واژگانی را ایجاد کند ولی نتوانسته یکی از آن‌ها را حذف کند. مثلا کاربرد واژگان «یارانه» و «سوبسید» نشان می دهد که استفاده از «سوبسید» بسیار کم و برعکس کاربرد «یارانه» بسیار پر رنگ شده است. چون هَیجامَد افزایی خوبی برای یارانه و هَیجامَد کاهی مناسبی برای کاربرد سوبسید اتفاق افتاده است. امروزه دیگر کسی کلمهٔ سوبسید را نمی شنود، فقط از یارانه گفت و گو می شود. از طرفی نهاد قدرت و پشتوانهٔ دولتی «یارانه» خیلی مقتدر است. این کار همان الگوی هَیجامَد است که می توان با تحریک هیجانات و افزایش بسامد و سپس درگیر کردن حواس، کاری کرد که واژگان تولید شده فرهنگستان وزن اجتماعی و فرهنگی پیدا کنند. این حقیقت مسلم است که انسان با واژه فکر می کند و اگر واژه نباشد تفکر عقیم است "NOlanguage NOthinking".

بنابراین هَیجامَدهای درگیر در شنیدن، دیدن، صحبت کردن و به کاربردن باعث می شود که واژه جا بیفتد. از این لحاظ گفتمان اقتدارگرای مافوق و گفتمان درونی مردم هر چه قدر هم‌سویی بیشتری داشته باشد، به هم‌گرایی بیشتر خواهد انجامید؛ ولی اگر شکاف و تضادی بین آن ها باشد نتیجه اش واگرایی خواهد بود و جوک و طنز ساختن برخی افراد برای واژگان فرهنگستان، نشانه هایی از این واگرایی است.

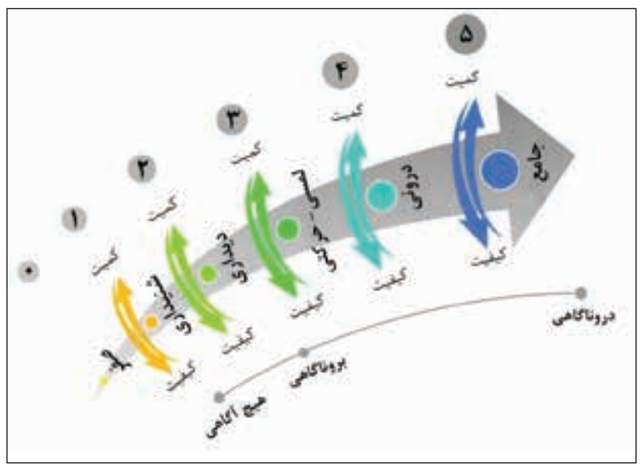

یادداشت

پیشینهٔ فرهنگستان

فرهنگستان ایران که قدمتی ۸۲ ساله دارد، در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ برای اصلاح زبان و خط فارسی تأسیس شد. ریاست این دوره بر عهده محمد علی فروغی، نخست وزیر بود و با تصویب ۲۰۰۰ واژه تا سال ۱۳۳۳ فعالیت کرد که آن را «فرهنگستان اول» نیز نامیده‌اند. همزمان، معادل فارسی «فرهنگستان» به جای «آکادمی» پیشنهاد و سرانجام در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ تصویب شد. فرهنگستان زبان ایران که به «فرهنگستان دوم» مشهور است، در سال ۱۳۴۷ تاسیس شد. این فرهنگستان تا سال ۱۳۶۰ دایر بود. فرهنگستان دوم ۶۶۵۰ واژه به زبان روزمره فارسی وارد کرد و برغنای زبان افزود. حتی فرهنگستان سوم که پس از انقلاب تشکیل شد، بسیاری از این واژه ها را به رسمیت شناخت. هم اکنون فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ریاست دکتر حداد عادل، یکی از چهار فرهنگستان ایران است که دوم مرداد ۱۳۶۹ تاسیس شد و حوزه های گوناگون علمی، ادبی و هنری را در قلمرو زبان فارسی از جنبه های مختلفِ موضوعی تحت پوشش قرار می دهد. گروه هایی مانند واژه گزینی، دستور و املا، گویش های ایرانی، زبان های باستان و میانهٔ ایران، نشر متون، دانشنامهٔ ادب فارسی، فرهنگ فارسی، فرهنگ مصطلحات و نسخ خطی در فرهنگستان تاسیس شده است. ماده ۱ اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی مصوب ۱۳۶۸ اهدافی در اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب تعیین کرده است:

حفظ قوّت و اصالت زبان فارسی، به‌عنوان یکی از ارکان هویّت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛

پرورد ن زبانی مهذّب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده؛

رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور؛

ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی، به تناسب مقتضیّات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن.

ناگهانِ شعر

سید حسین موید

شیرین اگر که خسرو و فرهاد داشته است
شاید مشخصات تو را یاد داشته است
شاید که عاشقانه ترین شعرها از اوست
هر شاعری که مثل تو استاد داشته است
شاعر گناه داشت اگر خیره در تو ماند
بیچاره چشم یاری و امداد داشته است
تعجیل کن به بزم بیا ماه خوانده است
هر قدر عاشقانه که دریا داشته است
غیر از تو رو به هر که کنم قبله ام کج است
آن حاجی ام که روی به بغداد داشته است

عفت کاظمی

قطعا اگر که شعر تو را می سرود عشق
زیباترین ردیف برای تو بود: "عشق"
من چله ها نشستم و اذکار گفته ام
نای و نفس تو بودی و کشف و شهود، عشق
هر قدر پیش شوق تو کوتاه آمدم
هی در فرود قد من و در صعود عشق!...
بی اختیار می بردم با خودش هنوز
کشتی کاغذی منم و شاه رود: عشق
تویک نفر، اهالی این سرزمین شدی!
مرز و حریم دارد و حد و حدود، عشق
ماندم در این عجب که تو پیدا شدی زمن
تا دکمه های پیرهنم را گشود عشق

علی آزاد

خلاصه شدم در شیهه اسبی
در عصری،
که سم پایش بر آسفالت
آتشم نمی زند
دست می کشم
بر یال سرخش
سر ریز می شوم
از باروت کلمات که خیس اند
اما تنفسش، باز می گرداند
تفنگ "برنو"ی ایلم را.
ترسم از تگرگی بر سینه کوه نیست
دایه، مویه های تو مرا می ترساند
گوشه_سیاه چادرت_را گرفته...
دوان دوان لکه های خورشید را
صدا بزن.
برای ذوب شدنم
کافیست.
بر گوری غریب نشسته ام
با شانه هایم
که هی می لرزد.

موسیقی

ساز زنده‌یاد منصور نریمان به موزه موسیقی اهدا شد

ساز زنده‌یاد منصور نریمان، نوازنده عود که از وی به عنوان پدر ساز عود یاد می شد، به موزه موسیقی ایران اهدا شد. به گزارش فارس، اسکندر ابراهیمی زنجانی که بعدها نام هنری اش را به منصور نریمان تغییر داد، در سال ۱۳۱۴ در مشهد به دنیا آمد. پدرش که خود سه تار، تار و نی می نواخت، او را از همان دوران کودکی تحت آموزش قرار داد و وی را با ردیف ها و گوشه های موسیقی ایرانی آشنا کرد و نواختن سه تار را به او آموخت. این نوازنده موسیقی ایرانی از چهارده سالگی همکاری خود را با رادیو مشهد به عنوان تک‌نواز موسیقی آغاز کرد و پس از تسلط کافی بر شیوه نوازندگی عود، در بعضی برنامه‌ها به اجرای موسیقی با این ساز پرداخت. وی پس از مدتی همکاری با رادیو مشهد، به شیراز نقل مکان کرد و به مدت چهار سال در زمینه موسیقی و اجرا با رادیو شیراز همکاری کرد و پس از آن به عنوان تک‌نواز رسمی رادیو در کنار استادان دیگر نظیر جلیل شهناز، فرهنگ شریف، پرویز یاحقی و سایر تک‌نوازان آن دوره، به فعالیت در رادیو تهران پرداخت. در آن سال‌ها عود سازی بود که کمتر نوازنده‌ای سراغ آن می‌رفت و اگر قرار بود در ارکستری جا داشته باشد، نوازنده تاری نواختن آن را برعهده می گرفت. در مجموع عود ساز فرعی نوازندگان تار محسوب می شد. منصور نریمان از نخستین نوازندگانی بود که تمرکز خود را بر این ساز قدیمی ایرانی گذاشت و آن را به ساز اصلی خود تبدیل کرد. در سال ۱۳۴۱ از نریمان برای تدریس تخصصی ساز عود در هنرستان موسیقی دعوت به عمل آمد. وی در این سال‌ها تصمیم گرفت کتابی برای تدریس این ساز بنویسد. این کتاب با نام «شیوه بربت نوازی» در سال ۱۳۷۲ همراه با دوره عالی که شامل پنج تمرین متنوع است، به چاپ رسید. از تالیفات دیگر نریمان می‌توان به کتاب «۴۲ قطعه برای عود» و «ردیف موسیقی ایرانی برای بربت» اشاره کرد. سازهای بسیاری از استادان موسیقی ایران از جمله حاج قربان سلیمانی، همایون خرم، حسین سمندری، بزرگ لشکری، ابراهیم قنبری مهر و ... در گنجینه موزه موسیقی ایران نگهداری می شود. در مراسم اهدای ساز زنده‌یاد نریمان، علی مرادخانی مدیرعامل موزه موسیقی، پژمان پشمچی‌زاده معاون شهردار تهران، عباس سجادی مدیرعامل فرهنگ سرای نیاوران و هنرمندانی چون هوشنگ کامکار، داریوش طلایی، نادر مشایخی و داوود گنجه‌ای حضور داشتند.

پیک خبر

قرارداد‌های نفتی موضوع جدید یک رمان شد

منصور انوری از آغاز نگارش اثری جدید با موضوع قرارداد‌های نفتی برای گروه سنی کودک و نوجوان خبر داد. منصور انوری، نویسنده، در گفت‌وگو با پایگاه خبرنگاران پویا، از آغاز نگارش اثری جدید با مضمون تاریخی خبر داد و گفت: این اثر که قرار است برای گروه سنی نوجوان نوشته شود، به موضوع قرارداد‌های نفتی از دارسی تا امروز می‌پردازد. وی با اشاره به زمان داستان در این کار افزود: داستان این اثر از دوره قاجار روایت می‌شود؛ زمانی که مسئولان کشوری تصمیم گرفته اند قرارداد نفتی دارسی را منعقد کنند. داستان در بستری تخیلی شکل می‌گیرد، اما حوادث مستند و تاریخی در آن لحاظ می‌شود. این کتاب داستان چند نوجوان است که در این برهه زمانی در جنوب کشور زندگی می کنند. این نوجوانان با عبور از آبراهه‌ای ناگهان به آینده سفر می کنند و در جریان جنگ تحمیلی قرار می‌گیرند. سفر آن‌ها به آینده سبب آشنایی شان با عواقب چنین قراردادهایی می‌شود و همین موضوع حوادث دیگری را شکل می‌دهد. به گفته این نویسنده، نوشتن از دفاع مقدس برای نوجوانان کار دشواری است. نویسنده باید از خلاقیت و تکنیک های مختلف بهره ببرد تا مخاطب را به سمت خود جلب کند. تلاش شده است در این اثر، با استفاده از این تکنیک‌ها نوجوان امروز با بخشی از تاریخ معاصر کشورش آشنا شود.

انتشار جلد پنجم تصحیح انتقادی شاهنامه

جلد پنجم کتاب «شاهنامه فردوسی» که به تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات این اثر ماندگار می‌پردازد با کوشش مهری بهفر از سوی نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران این کتاب تصحیح تازه‌ای از شاهنامه فردوسی بر پایه مهم‌ترین دستنویس‌های موجود، مانند دستنویس موزه بریتانیا، فلورانس و ... است. به علاوه دستنویس سن ژوزف که به تازگی در بیروت چاپ شده و همچنین تصحیح حمدا... مستوفی برای نخستین بار در این کتاب، تصحیح انتقادی شده است. شرح یکایک ابیات، تعابیر کنایی، مجازی، استعاری و ... بخش دیگر مطالب این کتاب را تشکیل می دهد که با گزارش ریشه‌شناسی واژگان متن و بررسی درون مایه‌ها، رویدادها، شخصیت‌ها و خویشکاری آن‌ها همراه شده است. این مفاهیم با متون مرتبط همزمان و ناهمزمان هم مقایسه شده است. مطالب کتاب از ابتدا تا انتها، ۱۶ فصل است که به ترتیب «سپاسگزاری»، «جدول نشانه‌های اختصاری نسخه بدل‌ها»، و... «کتابنامه فارسی» و «کتابنامه لاتین» نام دارند.

آگهی مناقصه

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه
۱	۷۹۶۶	شهرداری منطقه ۷ در نظر دارد روکش آسفالت معابر کم عرض سطح منطقه ۷ را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.ets.mashhad.ir مراجعه فرمائید.

امور قراردادها و پیمانها منطقه ۷

م/۹۶۰۸۶۷۴۶

آگهی مزایده عمومی (شماره ۳۱۱)
فروش لوازم یدکی راکد و غیرقابل نیاز سازمان

نام و نشانی مزایده گزار: سازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد، انتهای خیابان فدائیان اسلام ساختمان حوزه معاونت حمل ونقل و ترافیک شهرداری، طبقه اول

موضوع مزایده : فروش ۲۹۰ قلم انواع لوازم یدکی نو و غیر قابل نیاز در انبار سازمان شامل : لنت ترمز، سنسور هوای ورودی، بلبرینگ، واشرجات، کاسه نمد، میل لنگ و غیره

فروش اسناد مزایده : از تاریخ انتشار آگهی تا پایان وقت اداری ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ در محل دفتر امور قراردادهای سازمان انجام خواهد شد. قیمت اسناد مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ (دویست هزار) ریال می باشد که باید به حساب شماره ۷۰۰۶۵۱۰۵۶۷ نزد بانک شهر بنام سازمان اتوبوس رانی مشهد واریز و اصل فیش تحویل امور قراردادها گردد.

آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات : تا ساعت ۱۴ مورخ ۹۶/۰۵/۱۷ در محل دبیرخانه حراست سازمان می باشد.

مبلغ پایه و تضمین : به ترتیب ۶۷۹/۱۷۶/۶۵۰ ریال و ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد www.ets.mashhad.ir مراجعه فرمایید.

سازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد

م/۹۶۰۸۶۸۳۳